

وقتی ننه سرما ما کهیر می زند

می شود، شعر نو می گوید و توی وبلاگش می نویسد و حال و هوایی برای خودش دست و پا می کند.

ویژگی های فصل سرما:

در ورژن های قدیمی تر، معمولا توی این فصل ها باران می بارید و همه جا را بی خودی خیس می کرد. اما این نقص در ورژن های جدید برطرف شده و با حذف باران هزینه های خانواده بابت خرید چتر کاهش چشمگیری پیدا کرده.

در شروع این فصل ها، صبح از سرما دندان ها به هم می خورد. ظهر از گرما خفه می شوی. عصر از بوی دود، روح توی بدنت جابه جا می شود.

محض تنوع، هوا وارونه شده و زندگی از یک نواختی کسالت آورش در می آید و نوجوان انگیزه ی بیش تری برای پیشرفت تحصیلی خود پیدا می کند.

امکان تولید نواهای روح بخش خش خش و خرچ خرچ از طریق له کردن برگ های خشک شده برای عموم نوجوانان فراهم می شود.

هوا زود تاریک می شود تا نوجوان یاد بگیرد که مدت طولانی بیرون از خانه نماند. (این بخش از برنامه ی فصول سرد با نظر و هماهنگی والدین گنجانده شده.)

وابستگی به انواع پتو و لحاف و روانداز به خصوص در ساعات اولیه ی صبح به شدت بالا می رود و نوجوان با ترک محل خواب در ساعت شش صبح دچار ضربه ی روحی شده و از این بی عدالتی، دل کوچک قد گنجشکش خرد و خاکشیر می شود.

نکنته ی کنکوری: خیلی ها اصلا از این پتو و لحاف های گرم ندارند که بخواهند بهش وابسته بشوند و بعدش ضربه ی روحی بخورند. به آن ها هم فکر کنیم.

سرما چیست؟ سرما شخصیتی است پیر و چروک که در نیمه ی دوم سال به صورت ننه ظاهر می شود و با این که از او سن و سالی گذشته و بعضی رفتارها ازش بعید است، اما معمولا در زمانی نامعین از فصل پاییز به صورت یکهوایی به مدل های مختلف انسانی از جمله نوجوان حمله ور می شود و تا مغز استخوانش را سوزانده و او را وادار به نشان دادن واکنش می کند. نوجوان در برابر حمله ی جوی ننه سرما به دو صورت جوگیر و غیر جوگیر ظاهر می شود.

مدل جوگیر:

نوجوان همین که از بخش هواشناسی اخبار می شنود که قرار است هوا سرد بشود، آب بینی و مخلفاتش راه می افتد و دچار سرماخوردگی و خیم به همراه عطسه های هولناک می شود و با یاری دوستان سرماخورده ی دیگرش تا آخر زمستان به همان شکل باقی می ماند.

نوجوان همین که می بیند زمهریر شده، تریپ «خیالی نیست» برمی دارد و با یک عدد تی شرت تابستانی می زند به دل برف و بوران و حس رستم دستان بهش دست می دهد. طوری که ننه سرما از استقامتش کهیر می زند.

نوجوان سراسیمه و دستپاچه خودش را به اولین مرکز خرید می رساند و اقدام به خریداری پالتوی پوست کوروکودیل و چکمه با ارتفاع نیم متر بالاتر از زانو و کیف دستی می کند. البته کیف دستی ربطی به ننه سرما ندارد ولی بالاخره باید با چکمه اش ست باشد.

مدل جو نگیر:

در این مدل نوجوان با سرنوشت کنار آمده و با آغاز سرمای پاییزی، به شکلی کاملا منطقی می لرزد. بعد در یک سیستم دفاعی چند لایه اقدام به پوشیدن لباس های گرم و خوردن چای داغ کرده و برای بخاری که از روی چای بلند می شود و با های دهانش قاتی



نامه ای یک هفته ای

نیمه ی گمشده ی من

ولی هیچ کدام نمی تونن جای تو رو برام بگیرن. جدیداً به صدایی تو گوشم هی این سوال فلسفی رو مطرح می کنه که تو و امثال تو که انقد ادعای هوشمندی تون می شه، چرا نمی تونید خودتونو از این جور موقعیت ها فراری بدید؟ اصلاً تو، بله خود خود تو حتی انقدر هوشمند نیستی که بفهمی وقتی من سرکلاسم و یادم رفته سایلنت کنم، خودت سایلنت بشی و بهویی وسط درس دادن معلم نرنی زیر آواز. اصلاً بعضی وقت ها حس می کنم تو خودتو به من غالب کردی و من لیاقتم خیلی بیش تر از این حرفاست که تورو دستم بگیرم برم این ور و اون ور. ولی چه کنم که این دل باهرام دلش نمی آد ولت کنه. البته تو برای من بدون هوش هم عزیز هستی ها؛ ولی این که هر از چند گاهی به سری چیزهارو به روت بیارم واسه سلامتیت خوبه.

سلام گوشه ی جونم، حالت خوبه؟

زیاد ناراحت نباش اگه تمام اون ابهت و هوشمندی و کیفیت دوربین الان کشکه و به هیچ درد نمی خوره و توی کشوی اون کمد بی رحم لای به مشت کلیپس و لاک و این جور خنزله پنزلها گیر کردی. سه روزی می شه که نیستی و من در نبودت هر لحظه و هر جا به یادتم و هر روز بهت تک می زنم، ولی در عجبم که پس چرا خاموش نمی شی! یادش به خیر تا وقتی که بری تو کشو هر شب باید می زدمت به شارژ. می دونی از وقتی رفتی من دیگه از جهان اطرافم خبر ندارم و مثل ماشینی شدم که فقط به چراغش سالمه و داره توی به جاده ی بدون نور می ره با دید کم تر از به متر. البته فکر نکن اگه تو نباشی من بی گوشه می مونم ها! چیزی که واسه من زیاده گوشیه، والا.

حانیه شجاعی

راستی نسترن بهم گفت که بهت بگم که به گوشیش سلام برسونی و بهش بگی که نسترن در نبود اون از خواب و خوراک افتاده. ولی بین خودمون باشه نسترن خیلی وقته که قید گوشیش رو زده و رفته به دونه بهترشو گرفته. همه مثل من با معرفت نیستن که (((گوشه ی عزیزم من دارم همه ی سعی ام رو می کنم که از اون جا درت بیارم، ولی چه کنم که درگیر بد وضعیتی شدیم ولی زیاد ناامید نباش، چون به برنامه ی بلند مدت دارم که اگه همه چی طبق برنامه پیش بره، تا یک ماه آینده به آغوش گرم صاحبت برمی گردی.

حانیه پشتی از کوله پشتی

کسی که نمی تونه بفهمه قبل از اختراع گوشه ی ملت چی کار می کردن واقعا! koolehposhty@gmail.com